

نشریه اسوه

دو هفته نامه سیاسی-مذهبی هیئت عاشقان ثارالله دانشگاه علوم پزشکی تبریز

"من حسینیه‌ای را قبول دارم که قهرمانانی بی‌پرورد که با دشمن اسرائیلی بجنگند."



قره باغ

مهدی غلامی

چند هفته‌ای است که دوباره آسمان قره‌باغ خونین شده است. البته این ماجرا تازه‌گی ندارد و این مناقشه از زمان جدا شدن این دو کشور از شوروی سابق تا به امروز وجود داشته است.

ابتدای مقاله تعلق قره‌باغ به آذربایجان را مورد بررسی قرار می‌دهیم

طبق چهار قطعنامه (۸۲۲، ۸۵۳، ۸۷۹ و ۸۸۴) شورای امنیت سازمان ملل اشغال قره‌باغ دست توسط نیروهای ارمنستان غیرقانونی می‌باشد و طبق بند چهارم ماده ۲ و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل اقدامات جمهوری آذربایجان در دفاع از تمامیت ارضی خاک خود مشروع محسوب می‌شود؛ پس به لحاظ قانونی و شرعی قره‌باغ به آذربایجان تعلق دارد و اقدام به بازپس‌گیری این اراضی از سوی جمهوری آذربایجان قانونی می‌باشد. ولی در جنگ اخیر قره‌باغ، بعضی ردپاهای شوم صهیونیستی و تجزیه‌طلبانه به چشم می‌خورد و آرایش سیاسی و نظامی در این جنگ، خطرناک به نظر می‌رسد. در این مطلب به وضعیت داخلی حکومت آذربایجان و نقش کشورهای مختلف در حوزه سیاست داخلی و خارجی جمهوری آذربایجان و قره‌باغ

پرداخت خواهیم کرد.

در این که قره‌باغ از نظر قانونی و شرعی متعلق به جمهوری آذربایجان است شکی نیست ولی از این جنگ و از این مناقشه، حکومت آذربایجان به ویژه رؤسای جمهوری آذربایجان از ابوالفضل ائلچی بیگ تا الهام علی‌اف بیشترین بهره را برده‌اند؛ چراکه از قره‌باغ و دشمنی با ارمنستان، برای جلب نظر و وحدت مردم حول دشمن استفاده کرده‌اند. در واقع با شعار آزادی قره‌باغ، ۳۰ سال است که حکومت خودشان را پابرجا نگاه داشته‌اند. ولی آیا آذربایجان فقط به دنبال آزادسازی قره‌باغ است وقتی که ابوالفضل ائلچی بیگ به ایران گفت ما حاضر هستیم کل آذربایجان را به ارمنه تقدیم کنیم ولی حاضر نیستیم به کمک ایران قره‌باغ را آزاد کنیم؟ حدود ۸۵ درصد مردم آذربایجان را شیعه تشکیل می‌دهد و حکومت آذربایجان با هدایت رژیم صهیونیستی به دنبال جایگزین کردن تفکر ناسیونالیستی به جای تفکر اسلام شیعی در اذهان و افکار عمومی جامعه آذربایجان می‌باشد. در واقع حکومت آذربایجان به یکی از شیعه‌ستیزترین حکومت‌ها تبدیل شده است و در این راستا

از هیچ ظلمی به مردم خود دریغ نمی‌کند. شاهد این ماجرا ممنوع بودن عزاداری‌های دسته‌جمعی برای سیدالشهدا (ع)، دستگیری متولیان عزاداری‌ها، گرفتن حق سرپرستی از والدینی که فرزندان خود را به عزاداری‌ها و هیئت‌ها می‌برند (فرمان ۲۰۷۴ الهام علی‌اف؛ رئیس‌جمهور آذربایجان)، ممنوع بودن حجاب در مدارس، دستگیری فعالان و روحانیون اسلام‌گرا و سایر ماجراهای نظیر این‌هاست.

از طرف دیگر رژیم صهیونیستی و حکومت آذربایجان با یکدیگر روابط نزدیکی دارند و جمهوری آذربایجان به حیاط خلوت نیروهای اطلاعاتی موساد در شمال ایران مشهور شده است (حتی در ترور شهدای هسته‌ای ایران، عوامل ترور توسط موساد در جمهوری آذربایجان آموزش دیده بودند).

رژیم صهیونیستی در راستای عملیاتی کردن طرح نقشه شوم خاورمیانه جدید به دنبال تجزیه و تضعیف جمهوری اسلامی ایران است و از این رو به حمایت از گروه‌های پان‌ترک می‌پردازد. همچنین از طریق

فهرست

الگوی زن مسلمان

۲۵۰ سال مبارزه؛ یک انسان، یک هدف

صفحه ۵۲

به حاکمان عرب

صفحه ۵۳

از دیده‌بان تا ۱۹۱۷؛ دفاع مقدس یا جنگ؟

صفحه ۵۴

گوشه‌ای برای تنهایی ام

غرفه کتاب

صفحه ۵۴

هنر دوستی

سبک زندگی اسلامی

صفحه ۵۶



الگوی زن مسلمان

داوود قوی



الگوی زن مسلمان از منظر اسلام چنین است:

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» زهرای مرضیه (س) چه مقامی دارد که خداوند آن را منتی بر برگزیده برگزیدگانش، رسول اکرم (ص) می‌داند؟ چرا فرشتگان او را همچون مریم اطهر با این آیه می‌خوانند: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» چه می‌شود که خداوند عز و جل در حدیث کسا رسول الله، امیرالمؤمنین، امام حسن مجتبی و اباعبدالله حسین را با نسبت خویشاوندی شان به ایشان خطاب قرار می‌دهد؛ «هُمُ فَاطِمَةٌ وَأَبُوهَا وَبُعْلَاهَا وَبَنُوها...»

وقتی که اوضاع خوب است، کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده‌اند، راضی‌اند. می‌گویند خدا پدرش را بیامرزد! اما وقتی سختی پیدا می‌شود، همه دچار تردید می‌شوند، می‌گویند ایشان ما را آورد... در شعب ابی طالب نیز پیامبر علاوه بر مشقت

ادامه‌ی سر مقاله

انجمن‌های مختلفی که در آذربایجان به وجود آمده است به دنبال تلقین ایران‌هراسی در آذربایجان می‌باشد.

روابط رژیم صهیونیستی و آذربایجان به حدی نزدیک است که هرگونه تبلیغ علیه رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان از طرف حکومت آذربایجان سرکوب می‌شود؛ برای مثال کتاب «نبرد من» نوشته هیتلر، به علت ضدیهودی بودن اجازه چاپ از سوی حکومت آذربایجان دریافت نمی‌کند و این درحالی است کتاب ضد اسلامی آیات شیطانی نوشته سلمان رشدی اجازه چاپ و ترجمه می‌گیرد.

همچنین در درگیری‌های اخیر، ترکیه نقش دایه‌مهربان‌تر از مادر را برای جمهوری آذربایجان بازی می‌کند و در صدد آن است که در جنگ اخیر قره‌باغ خود را قهرمان و حامی منافع ترک‌ها معرفی کند و ژست پرچم‌داری را در این جنگ بر دوش داشته باشد؛ چراکه این کار باعث می‌شود ترکیه به آرزوی احیای امپراتوری عثمانی نزدیک‌تر شود ولی جای سؤال و تعجب اینجاست که ترکیه نیروهای تکفیری اجیرشده خود را از سوریه و لیبی به

در راه برافراشتن پرچم اسلام، با چنین دردهایی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کرد. حال در همین اثنا، دو یار خویش و دو ستون بنای تازه بنیاد اسلام، یعنی ابوطالب و خدیجه را نیز از دست می‌دهد. در این شرایط نقش فاطمه زهرا (س) درخشان تر می‌شود. مثل یک مادر، یک مشاور و یک پرستار برای پیامبر عمل می‌کند؛ ام‌اینها! چنین دختری، آن قدر شایستگی دارد که رسول خدا دستش را ببوسد! البته این مسئله را نباید حمل بر قضایای عاطفی دانست؛ مگر پیامبر با آن عدل و حکمتی و اتکایی که به وحی و الهام الهی دارد، خم می‌شود تا دست فرزندش را ببوسد؛ بلکه این حاکی از آن است که چنین دختری در اوج ملکوت انسانی قرار داشته است.

زندگی فاطمه زهرا از همه ابعاد، زندگی همراه با کار و تلاش و تکامل و تعالی روح یک انسان است. شوهر جوان او نیم سالی نمی‌شود که در جبهه و میدان‌های جنگ نباشد؛ اما در عین مشکلات محیط و

قره‌باغ خوانده است! این در حالی است که تا دیروز همین نیروهای تکفیری خون شیعه را مباح می‌دانستند و حالا دوشادوش شیعیان آذربایجان به جنگ ارامنه رفته‌اند!

البته ترکیه، این هدف را (ژست حامی منافع ترک و آذربایجان) به غیر از جنگ قره‌باغ، از طریق رسانه‌ها و درک‌سازی و برانگیختن تعصب ناسیونالیستی پان‌ترک انجام می‌دهد و هر روز بیشتر تلاش می‌کند که تفکر ناسیونالیستی و نژادپرستی را جای تفکر اسلامی و شیعی در اذهان مردم آذربایجان بنشاند.

به هر حال ترکیه بازی خطرناکی را شروع کرده است و با وارد کردن نیروهای تکفیری به قره‌باغ آن هم در چند کیلومتری خاک ایران، می‌تواند امنیت ایران اسلامی را نیز مورد خدشه قرار دهد و به نوعی به ایران فشار آورد.

روابط ایران با آذربایجان

رهبر معظم انقلاب در اوایل مناقشه قره‌باغ فرمودند:

«قره‌باغ خاک سلام است»

همیشه ایران اسلامی به آذربایجان به چشم برادر نگاه کرده است و در مورد قره‌باغ حامی جمهوری آذربایجان بوده است و از هیچ کمکی دریغ نکرده است و در اوایل دهه ۷۰، در زمان رئیس‌جمهور فقید آذربایجان -حیدر علی‌اف- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فرماندهان مستشاری خود را برای آموزش نیروهای آذربایجانی فرستاده بود (از فرماندهانی که در این جنگ حضور داشته‌اند می‌توان به سردار منصور حقیقت‌پور و سردار رحیم نوعی اقدام اشاره کرد). این در حالی است خود حکومت آذربایجان کمک‌های ایران را پس زده است و هر روز از دامان جمهوری اسلامی ایران دورتر شده است.

کار به جایی رسیده است که بعضی از مسئولین حکومت آذربایجان گستاخانه در مورد جمهوری اسلامی ایران اظهار نظر می‌کنند (طرح تجزیه ایران به ۵ کشور از سوی اعضا و رئیس مجلس ملی جمهوری آذربایجان در سال ۱۳۹۵ مطرح می‌شود) و رسانه‌های حکومت آذربایجان به محلی برای

سیاست و در میدان جهاد فی سبیل الله است نمی‌تواند یک زن خانه با وظایف مادری و همسری باشد. تصور می‌کنند این‌ها با هم منافات دارد. درحالی‌که از منظر اسلام، این‌ها نه تنها تناقض ندارند بلکه کامل‌کننده شخصیت انسان هم هستند. مثال بارز آن را هم در شخصیت حضرت به عرصه بروز گزارده است و همه زنان عالم را به پیمودن این راه دعوت می‌نماید. البته منطبق آن‌هایی هم که امروز و در طول تاریخ سعی داشته‌اند زن را تحقیر و او را دل‌بسته به همین زخارف و زینت‌های ظاهری کنند یا دستمایه‌ای برای خوش‌گذرانی‌های زندگی قرار دهند، در برابر خورشید معنوی فاطمه زهرا (س) از بین می‌رود.

تبلیغ سیاست‌های ضد ایرانی گروه‌های پان‌ترک و تجزیه‌طلب تبدیل شده است و به دنبال شوراندن مردم آذری ایران علیه جمهوری اسلامی ایران هستند، صد البته که کور خوانده‌اند چراکه مردم آذری ایران همیشه با بصیرت ولایی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی پیشگام بوده‌اند و با عمل به شعار «آذربایجان اوایخدی، انقلابا دایخدی» خود را اثبات کرده‌اند.

با وجود این قضایا باز هم جمهوری اسلامی ایران راهکار مناقشه قره‌باغ را توجه به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل می‌داند و از حق تعلق اراضی قره‌باغ به جمهوری آذربایجان دفاع می‌کند و به دنبال حل این مناقشه، بدون خون‌ریزی و از طریق مذاکره می‌باشد.

خب با مرور گوشه‌ای از وضعیت جمهوری آذربایجان، به مطلومیت هر چه بیشتر مردم غیور و حسینی جمهوری آذربایجان پی می‌بریم، همان‌ها که به «ابوالفضل عاشیق لری» معروف هستند امروز تحت یوغ حکومت خودباخته آذربایجان قرار گرفته‌اند.



هدیه ارزشمند رهبرمعظم

انقلاب به افشین علا



افشین علا یکی از شاعران فرهیخته کشورمان، روز ۲۶ مردادماه سال جاری، قصیده‌ای را در نقد و مذمت حاکمان سازشکار عرب سروده بود که مورد تمجید رهبرمعظم انقلاب قرار گرفته است. ایشان در پیام خود به علا فرمودند که «شعری که خطاب به حاکمان عرب سرودید، بسیار بجا و به موقع بود. دست شما درد نکند.» به تازگی انگشتی از سوی ایشان به عنوان صله برای این شاعر ارسال شده است.

متن شعر افشین علا بدین شرح است:

به حاکمان عرب

ای قوم عرب! غیرت اجدادی تان کو؟
بودند نیاکان شما اهل فتوحات

تکرار مبدا شود اندوه فلسطین
تا چند برد غرب، از این منطقه، سوغات؟

دزد است در این قافله، تا چند تغافل؟
موش است در این مزرعه، تا چند مماشات؟

تند است چرا این همه توفان تجاوز؟
کند است چرا این همه شمشیر مجازات؟

خواند همه را قدس به یاری، ز چه خوابید؟
اقلیم عرب گشته چرا خانه ی اموات؟

با این همه، ای غرب! بپرهیز که دارد
این بادیه، بس خار مغیلان و نخیلات

دل خوش مکن ای خصم به ویرانی بیروت
مکرون! مکن از مکر، گذر سوی خرابات

لبنان نکند روی خود از پارس به پاریس
چون دیده از او خیر فراوان، ز تو آفات

سوزنده قانا شده دلسوز شهیدان!
غارتگر شبا شده همدرد جراحات!

ای ننگ به هر کس که شود خام تو ای خصم
ای وای به شیخی که کند با تو ملاقات

قوم عرب و اهل خلیج کهن فارس
هیئات که ذلت بپذیرد ز تو، هیئات

آینده از آن یمن و غزه و قدس است
ای غرب به هوش باش! رسد روز مکافات...

بحرین و عراق و یمن و شام چرا سوخت؟
در آتش بدخواهی‌ات ای شیخک بدذات!

آیا نرهندند نوامیس عرب را
سید حسن و قاسم و یاران ز بلیات؟

خنجر زدی از پشت به اعراب و نشستی
با مرتکب آن همه کشتار و جنایات

با قاتل کودک کش صبرا و شتیلا
با جانی نفرین شده در ارض و سماوات

یکباره عقال از سر بی عقل بیفکن
خو کن چو جهودان به عرق چین و کراوات

بیهوده مکش فیل دبی را به رخ ای شاه!
وقتی که ز سرباز یمن هم شده‌ای مات

حیثیت خود دادی چون با ثمن بخرس
حقانیت فارس شد از خبث تو اثبات

شاهان عرب، طایفه ی لوط و ثمودند
هم بنده ی عزی و منات و هبل و لات

خون عرب است آیا ای مردنمایان!
این ننگ که بر دامن تان مانده ز عادات؟

هم قدس ز کف داده و هم مکه و یثرب
جز غرب ندارید دگر قبله حاجات

در عقد تل آویو در آبیید از این پس
بودید چو یک عمر، عیالات ایالات

شیری که برازنده فخر است و مباحات
سید حسن است آیا یا شیخ امارات؟

این داده چو قواده به عشرتکده، رونق
آن گشته ولی قائد احرار به شامات

آن پخته سخن گوید با تکیه به قرآن
این خام ولی چون شتران، حامل تورات

آن لرزه درافکنده به ارکان تل آویو
این با تن لرزان شده پنهان به عمارات

ای شیخ! کنی تکیه به قومی که خداوند
از دوستی‌اش کرده تو را نهی به آیات؟

این نهی، ندیدی و نخواندی تو به قرآن؟
یا خوانده‌ای از وحی، فقط لفظ و عبارات؟

هش دار و بپرهیز، از این غده ی بدخیم
جز ننگ چه بخشید مناخیم به سادات؟

سید حسن از پیست که بی سلطنت و کاخ
خورشید عرب گشته و حکام چو ذرات

زیر قدمش له شده است ارتش صهیون
با آن همه جنگنده و آلات و مهمات

آیا نکنی شرم ز لبنان و فلسطین؟
آیا نشنیدی تو ز آیات و روایات؟

ایران چه بدی کرد به اعراب و به اسلام؟
کز کینه او کور شدی، کور به کرات!



ایدئولوژی سوسیالیسم

علی اسدی جلودار

یکی دیگر از مؤلفه‌های سوسیالیسم، اصل «برابری» است. سوسیالیست‌ها مالکیت خصوصی ابزار تولید را سرچشمه تمامی مفاسد و بیدادگری‌ها و نابرابری‌های زیان خیز اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌دانند، به همین جهت، بر اصل برابری تأکید دارند. سومین اصل اساسی سوسیالیست‌ها فرامیلتی (انتر ناسیونالیستی) که گونه‌هایی از تمایلات انسان‌گرایانه و اومانستی بودن است (اومانیسم جمع‌گرا). سوسیالیست‌ها داعیه کوشش و مبارزه برای آزاد ساختن کل بشریت را دارند. نکته دیگر این انترناسیونالیستی دید غیر استعماری و حتی ضد استعماری آن است. با همه بحث‌ها نظام سوسیالیستی دارای خلأهایی است. در واقع این نظام در اقتصاد عاجز است چرا که سیستم کنترلی افراد کارآمد نیست و فضای رقابتی وجود ندارد که عقب‌ماندگی جامعه را به همراه دارد.



”

از دیده بان تا ۱۹۱۷؛

دفاع مقدس یا جنگ؟

“

هادی پایدار

بلند، صحنه به صورت یک تکه فیلم برداری می شود و در آن هیچ کاتی وجود ندارد. اشاره به این فیلم بهانه ای شد تا به یکی از شاخص ترین فیلم های فیلمساز مطرح ایرانی، ابراهیم حاتمی کیا، یعنی «دیده بان» پردازیم. این فیلم که اولین فیلم جدی حاتمی کیا در حوزه دفاع مقدس است به زمره بسیاری بهترین فیلم سینمای ایران در این ژانر به شمار می رود. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: ارتباط خط کمین با نیروهای خودی توسط دشمن قطع شده و احتمال سقوط منطقه بسیار زیاد است. مقابله و مقاومت نیروها در مقابل دشمن نیازمند حضور دیده بان جهت هدایت آتش سنگین است. عارفی (دیده بان) برای پیوستن به خط کمین و دیده بانی باید از مسیری عبور کند که زیر آتش شدید دشمن عراقی قرار دارد. در نگاه اول، شباهتی در نوع روایت دو فیلم به نظر می رسد، هرچند نگارنده به این نکته توجه دارد که ساختارهای فرمی دو فیلم تفاوت هایی باهم دارند و پیشینه محتوایی هر دو نیز کاملاً از هم دور است؛ اما آنچه مد نظر است مقایسه دو فیلم در نوع روایت شخصی است که در جنگ وظیفه ای برعهده دارد و مخاطب سینما سرنوشت این شخصیت را به تماشا نشسته است. در فیلم ۱۹۱۷ کارگردان با بهره گیری از تکنیک برداشت بلند هرچند خواسته است فضایی خواب گونه از زندگی یک روزه یک سرباز وظیفه ایجاد کند و دوربین را به شیوه بازی های ویدیویی در پشت شخصیت به حرکت آورد تا به نوعی چشم مخاطب را با صحنه هایی که قبلاً

۱۹۱۷ فیلمی در ژانر جنگی و به کارگردانی و تهیه کنندگی سم مندس انگلیسی است که در سال ۲۰۱۹ میلادی منتشر شد و توانست عناوین بسیاری در جشنواره های معتبر سینمایی از جمله گلدن گلوب و اسکار بدست آورد و به سرعت نظر منتقدان سینمایی و همچنین مخاطبین عام در سراسر جهان را به خود جلب کرد. فیلم داستان بسیار ساده ای دارد: بهار سال ۱۹۱۷ و در اوج جنگ جهانی اول در شمال فرانسه، دو سرباز جوان انگلیسی به نام های اسکافیلد و بلیک مأموریتی غیرممکن پیدا می کنند: رساندن پیغامی مهم به یک گردان ۱۶۰۰ نفری انگلیسی برای جلوگیری از ورود آن ها به کمین مرگبار دشمن. برادر بزرگ تر بلیک در این گردان حضور دارد و همین موضوع او را مجاب می کند که به این مأموریت تن دهد و خود را ظرف ۲۴ ساعت به نظامیان انگلیسی در خط مقدم برساند. در واقع موضوع داستان از کهن الگوهای همیشگی سینما پیروی می کند و حادثه محرک ابتدای فیلم، همه ماجراهای بعد از خود را هدایت کرده و تمام مدت فیلم، شرح ماجراهای پیش آمده برای این دو سرباز است. البته در میانه های فیلم، بلیک در اثر حادثه ای کشته می شود و ادامه فیلم با اسکافیلد به پیش می رود. نکته ی قابل توجه فیلم استفاده از تکنیک خاص فیلم برداری و مونتاژ است که در صنعت فیلم سازی، برداشت بلند یا سکانس پلان (به انگلیسی: Long take) نامیده می شود. برخلاف رسم معمول در سینما که پلان ها در مرحله تدوین کات می خورند، در برداشت



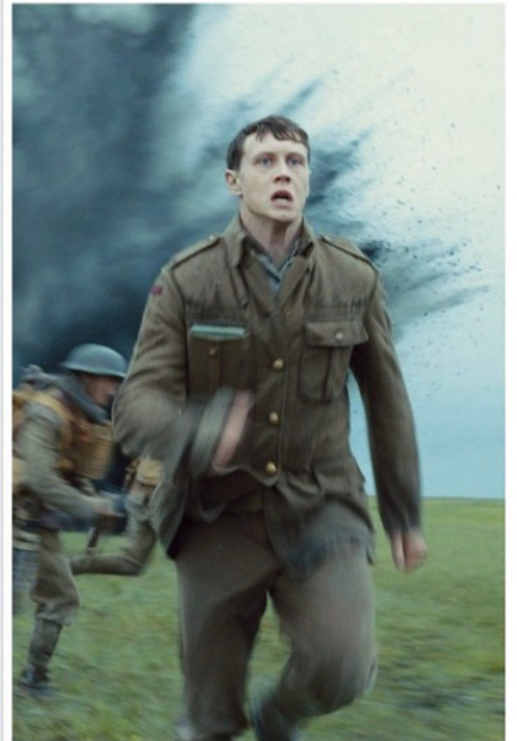
دیده بان

نویسنده و کارگردان: ابراهیم حاتمی کیا

فیلمبردار: محسن ذوالانوار
بازیگران: مهرداد سلیمانی
علیرضا حیدری
اصغر پورهاجریان
غلامرضا علی اکبری
اسماعیل سلطانیان



TIME IS THE ENEMY
IN CINEMAS & IMAX JANUARY 10



و مظهر اسماء الله می‌بیند... حاتمی کیا با روح اشیا سروکار دارد نه با جسم آن‌ها و این مستلزم نحوی «رازدانی و رازداری» است که اصلاً مردم این روزگار سیطره تکنیک و سلطنت ابزار سال‌هاست که با آن غریبه‌اند و بگذارید راستش را بگویم: سینما چه دشوار قالب معرفتی چنین عارفانه واقع می‌شود؛ اما شده است. حاتمی کیا توانسته است که بر تکنیک پیچیده سینما غلبه کند. حجاب‌های تصنع و تکلف و صورت‌گرایی و انتلکتوئلیسم را بدرد، از سطح عبور کند و به عمق برسد و با سینما همان حرفی را بزند که «حزب‌الله» می‌گوید...». به راستی سینمای مدرن که همواره جولانگاه افکار آنتیستی و اومانستی بوده وهست، به سختی می‌تواند مفاهیم ناب عرفانی اسلامی به ویژه آرمان‌های اصیل دفاع مقدس را در خود بپرواند و به کمال برساند.

به امید روزی که مضامین فراموش شده دفاع مقدس، با ابزار نوین سینما جان بگیرد و به نسل جدید انقلاب بدرستی منتقل گردد.

نمی‌گذارد و بدن کشته‌ها دیگر ماهیتی دکوراتیو و تزئینی ندارد؛ بلکه هر شی جاندار و بی‌جان در جنگ وسیله‌ای می‌شود برای سلوک عاشقانه رزمنده. به قول خود حاتمی کیا انفجارها نقش بازی می‌کنند، در نگاهی موشکافانه‌تر می‌بینیم که سیر و سلوک عرفانی شخصیت دیده‌بان در انفجارهای تصویر شده دیده می‌شود. انفجارها نخست با خاک سیاه رخ می‌دهد، در ادامه رنگ خاکستری و روشن‌تری به خود می‌گیرند و در نهایت سفید می‌شوند. ترس و سستی قدم دیده‌بان در ابتدای فیلم با سیر داستانی، بدل به قدرت و عزت برگرفته از اتمسفر عرفانی جنگ می‌گردد و او را قبل از آنکه به شهادت ظاهری برسد، به شهود حقیقی می‌رساند؛ به قول شهید آوینی: «رابطه حسن را با آرپی‌جی‌اش در «دیده‌بان»، آن پرچم «اِنَّا فَتَحْنَا» را که باید به مثابه باند زخم‌بندی مورد استفاده قرار گیرد و ... این نگاه مؤمنانه عارفی حقیقی است که جهان را نازله عوالم غیبی

بلکه افق‌هایی در عرصه فیلم‌سازی روشن ساخته است که در هیچ کجای جهان به آن پرداخته نشده است. فیلم‌ساز با تجربه‌ای که از جنگ دارد و لحظه به لحظه آن را درک کرده، به نظر می‌رسد متوجه نوعی شهود و سیر عرفانی رزمندگان دفاع مقدس در طول دفاع مقدس شده است؛ همین موضوع است که تمایزی بسیار معنادار بین ژانر حقیقی دفاع مقدس با ژانر متداول جنگی در سراسر جهان ایجاد کرده است. نگاه متفاوت فیلم‌ساز به پدیده‌های جنگ و در یک تعمیم معنایی، کل جهان، در تمام پلان‌های فیلم مشهود است. در فیلم‌های او خمپاره‌ها، تفنگ‌ها، سربند، سنگر، پلاک و... هیچ یک بی‌روح نیستند. در اینجا دیگر دیده‌بان مثل اسکافیلد در ۱۹۱۷ سنگدلانه از روی جسد مرده‌ها قدم

با آن آشنایی دارد نوازش دهد و گاهی در بعضی از صحنه‌ها به وجد آورد. این شیوه در کارگردانی، پیش از آنکه فیلم را روایت کند و اتفاقات دلخراش آن و صحنه‌های غم‌انگیز شکست و حقارت را با دمیدن روح و امید انسانی جایگزین کند، بیشتر تکنیک فوق‌العاده کارگردان را در مخفی کردن کات‌های تقلبی‌اش به رخ تماشگر می‌کشد. در مقابل کارگردان فیلم دیده‌بان در درون فیلم وجود ندارد. او خودآگاهانه به کنار کشیده است و صحنه‌هایی ناب از واقعیت‌های جنگ هشت ساله ایران را به تصویر می‌کشد که گاهی حتی حالت مستندگونه به خود می‌گیرد. فیلم شاید در تکنیک و هزینه ساخت خیلی از ۱۹۱۷ عقب باشد اما فرم و محتوای عرفانی آن نه تنها از رقبای جنگی خودش بالاتر است



غرفه کتاب

گوشه‌ای برای تنهایی ام

داوود قوی

شما خیالتون راحت، من قول میدم تلاشم رو بکنم تا در شماره بعد که قدم سر چشم بنده گذاشتید، از دلتون دربیارم، فعلاً یا علی مدد!
پ ن: آقا از حالا گفته باشم، اون نویسنده انسان ۲۵۰ ساله هیچ دخل و خرجی به من نداره... از منم به شما نصیحت دم پرش نپرید که مرفه بی‌درد رو با یه من عسلم همیشه خوردش!

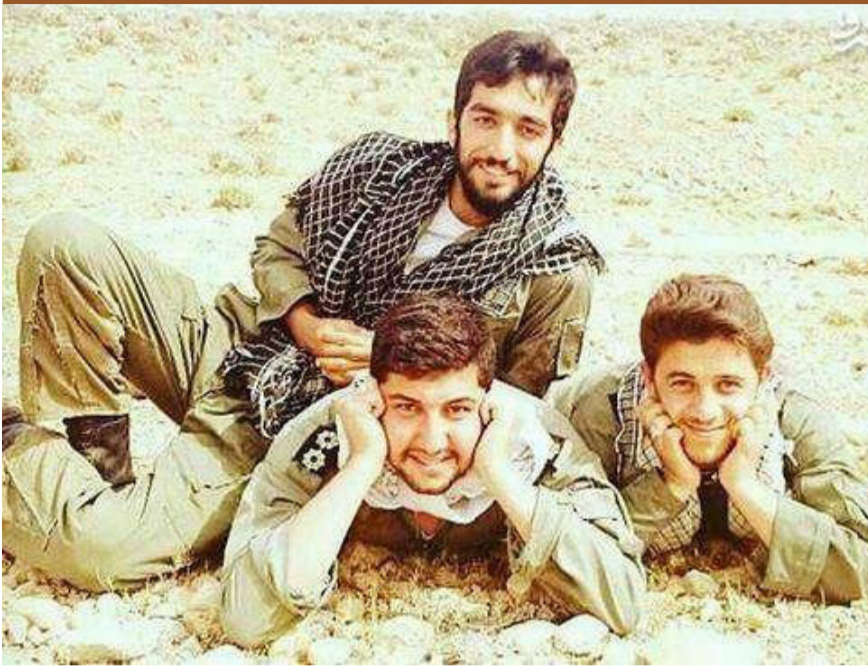
میری یک بوفه اون گوشش پیدا میشه یک نفسی چاق کنی. کاره حقیرم تو همین مایه‌هاست و گوش شیطان کر قراره در هر شماره یکی از رمان‌های مورد تأکید حضرت آقا رو معرفی کنم. البته از اون جایی که سردبیر فهیم و متشخص تا آخرین دقایق بی‌امان بنده رو مورد عنایت قرار دادند تا همین لحظه مشغول گردگیری تار عنکبوت‌های این سوراخ موش هستم؛ اما

اجق و جق چپوندند که مثلاً سردبیر حق داره هر وقت عشق کرد با تیبیا بندازتت بیرون یا اگه جا کم اومد، باید گرفت را با کمال میل و حتی اصرار به بخش‌های سیاسی و فرهنگی تقدیم کنی... بگذریم، بذارید از کار و کاسبیم بگم، با این پیش‌زمینه که کاملاً توجیه شدم کیا از نشریه بازدید می‌کنند و اینجا جای جلف‌بازی نیست ولی بالاخره شما یک نمایشگاه مبل هم

با من هستید؟ سلام، بفرمایید... من اینجا چه کار می‌کنم؟ والا یک جوون آس‌وپاس غیر از یک لقمه کار خیر و دو متر جا تو یک نشریه، چی از خدا می‌خواه؟! البته از قربونش برم که پنهنون نیست از شما چه پنهنون، برای همین بیغوله ۳۰۰ کلمه‌ای کلی مبانی نصفه و نیمه رهن دادم و قول هزار رقم مستحبات اجاره! تازه‌شم تا دلتون بخواد تو قرارداد تبصره و بندهای

«هنر دوستی»

سید محمد موسوی



نشریه اُسوه

دوهفته نامه سیاسی-مذهبی

صاحب امتیاز:

هیئت عاشقان ثارالله

مدیر مسئول:

دبیر هیئت عاشقان ثارالله

سردبیر:

سید محمد صادقی

گرافیک و صفحه آرایی:

سید محمد مهدی بازرگان

هیئت تحریریه:

میرکاظم سید اکبری

عرفان میرعالی

علی کمالی

علی اسدی جلودار

سید محمد موسوی

سید محمد صادقی

عطالله عطایی

محمد رضا صیدیان

سپهر محمودی آذر

هادی پایدار

داوود قوی

محمد مهدی پور

مهدی غلامی

وجودش نرم باشد، شاخ و برگ او انبوه و فراوان می‌شود».

انصاف، یعنی پرهیز از امتیازطلبی برای خود و برابر دانستن خویش با دیگران در بهره‌مندی از حقوق و مزایا. رفتار منصفانه با دیگران، هم مایه آرامش وجدان انسان است، هم برای او محبوبیت می‌آورد و هم دوام دوستی و افزایش دوستان را در پی دارد. حضرت علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «خودت را در آنچه میان تو و دیگری است، میزان قرار بده. پس آنچه برای خود دوست می‌داری، برای دیگران هم دوست بدار و آنچه برای خودت نمی‌پسندی، برای دیگری هم مپسند و همان گونه که دوست نداری به تو ستم کند، تو هم ستم نکن».

میان‌روی در هر کاری، نیک و لازم است؛ حتی در دوستی و مهرورزی. افراط در دوستی و دشمنی، مایه پشیمانی است. گاهی دو دوست به حدی از ویژگی‌های اخلاقی و اسرار و کارهای محرمانه زندگی شخصی یکدیگر باخبر می‌شوند که اگر روزی دوستی آنان به هم بخورد، زبان‌های جبران‌ناپذیری متوجه آنان می‌شود. در دشمنی با افراد نیز نباید افراط کرد، که اگر روزی دشمنی‌ها به دوستی تبدیل شد، رفتار ناپسند گذشته، مایه شرمساری و عذاب وجدان نشود. در روایتی از حضرت علی (علیه‌السلام)، درباره رعایت اعتدال در دوستی و دشمنی می‌خوانیم: «احب حبیبک هونا ما، عسی ان یکون بغیضک یوما ما و ابغض بغیضک هوناما، عسی ان یکون حبیبک یوما ما؛ با دوستت به اندازه معین دوستی کن؛ شاید روزی دشمنت شود. دشمنت را هم در حد اعتدال دشمن بدار؛ شاید روزی با تو دوست شود».

ان‌شاءالله در شماره بعدی به این می‌پردازیم که با چه کسانی دوست شویم و با چه کسانی نه!

و شناخت، امری ناسنجیده و مایه پشیمانی است.

انسان باشعور و آگاه، اگر به شناختی خوب از دوستش برسد و به او اعتماد کند، دیگر به سخن‌چینی و بدگویی دیگران از او توجهی نمی‌کند و دل خویش را چرکین نمی‌سازد. البته اگر شناخت کاملی از کسی نداریم، باید در سخنان و توصیف‌هایی که درباره او گفته می‌شود، تأمل و دقت کنیم، ولی اگر فردی را به نیکی و تعهد و پاکی شناختیم، به راحتی نباید به حرف‌های دیگران درباره او گوش تأیید بسپاریم. علی (علیه‌السلام) در کلامی گهربار می‌فرماید: «من عرف من اخیه وثیقہ دین و سداد طریق، فلا یسمعن فیه اقاول الرجال؛ کسی که از برادر دینی‌اش، دینداری و درستی را بشناسد، پس دیگر به سخنان این‌وآن درباره او گوش فرا ندهد».

آن حضرت در سخن دیگری درباره شیوه رفتار با دوستان شایسته چنین توصیه می‌کند: «آنگاه که برادرت و دوستت با تو قطع رابطه می‌کند، تو با او بپیوند. وقتی او از تو قهر می‌کند، تو با وی مهر بورز و به او نزدیک شو. هرگاه او به تو بخل می‌ورزد، تو بذل و بخشش کن. هر وقت او تندی نشان می‌دهد، تو نرم باش و هرگاه او خطا می‌کند، عذرش را بپذیر و چنان باش که گویا تو غلام اوئی و او صاحب نعمت بر توست. (البته) مبدا این‌ها را در غیر جای مناسب انجام دهی یا چنین لطف و بزرگواری را با نااهل داشته باشی!»

شناخت حق دوست و ادای آن و پایبندی به قانون دوستی، گوهر نفیسی است که از آن، به معرفت یاد می‌شود.

خب آداب دوستی چه هستند؟ خوش‌رویی، نرمش و مدارا، انصاف و رعایت اعتدال از جمله آداب دوستی می‌باشند. یکی از راه‌های دوست‌یابی و رسیدن به توفیق حفظ این نعمت، داشتن چهره‌ای گشاده و خندان و رفتار با مهر و محبت است.

تداوم دوستی، در سایه نرمش و مداراست. از امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) نقل می‌کند: «من لان عوده کثفت اغصانه؛ کسی که درخت

اول از همه با کلامی از حضرت امیر شروع می‌کنم که می‌فرماید: «دوستی و مهرورزی نیمی از خرد است».

خب با کلام بالا درمی‌یابیم که دوست و دوستی و البته دوست‌یابی چه قدر مهم است و جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی هر فرد است. همه می‌دانیم که دوستان تأثیر بسیاری بر زندگی ما می‌گذارند و حتی مسیر زندگی ما را تغییر می‌دهند. بدون دوست هم زندگی آدمی ناقص می‌شود پس مجبوریم دوستانی انتخاب کنیم اما به سبک اسلامی تا ضرر محتمل دفع گردد.

حال بنگریم که چه دوستی انتخاب کنیم و چگونه دوستی باشیم.

دوست خوب کیست؟ از برجسته‌ترین ویژگی‌های دوست خوب و واقعی، آن است که با دیگری، یکدل و یکرو باشد و هنگام نیاز، او را رها نکند. در گرفتاری به کمکش بشتابد و در غم و شادی و راحت و رنج، با او همدردی و مشارکت کند. در حدیثی از امام علی (علیه‌السلام) در این باره نقل است: «لایکون الصدیق صدیقا حتی یحفظ آخاه فی ثلاث: فی نکتته و غیبتته و وفاتته؛ دوست، هرگز دوست نخواهد بود، مگر آنکه در سه موقعیت، دوستش را نهبان و پاسدار باشد: یک: در رنج و گرفتاری به کمکش بشتابد؛ دو: آبروی او را در غیاب او حفظ کند و سه: پس از وفاتش، با یادکرد او و استغفار برایش، به او نیکی کند.» دوست خوب، با ادعا و شعار شناخته نمی‌شود و باید در فرازونشیب‌های زندگی که جوهره اشخاص در آن‌ها نمود می‌یابد، دوست واقعی را شناخت. از این رو، اساس انتخاب دوستان شایسته باید معیارهای اخلاقی و انسانی باشد و به هرکسی نباید اعتماد کرد. امیر مؤمنان، علی (علیه‌السلام)، می‌فرماید: «الطمأنینه الی کل احد قبل الاختبار عجز؛ اطمینان و اعتماد کردن به هر کس، پیش از آزمودن، نشانه ناتوانی است». باز از این امام بزرگوار روایت می‌شود: «حسد الصدیق من سقم الموده؛ حسدورزی دوست، از ناسالم بودن دوستی است». به‌هرحال، دوست‌گزینی پیش از آزمون